

تربیت نسل منتظر

یحیی صالح نیا

چکیده

جهان بشریت منتظر پرورش حماسه سازانی است که به ندای امام حق که قرن‌هاست به انتظار آنان نشسته است. لَبیک بگویند. حرکت عظیم او نیازمند پرورش جوانانی است که حاصل تربیت صحیح اسلامی و حماسی باشند. در این راستا مقاله حاضر بعد از نقل یک داستان حماسی به فهرست کردن شاخصه‌های تربیت حماسی و مهدوی پرداخته و اراده محکم، دلیری، کاری بودن، عاشق بودن و... را از جمله این شاخصه‌ها برشمرده است. در ادامه با نقل روایاتی زیبا به اهمیت یاران حماسه ساز در نهضت‌های الهی اشاره شده و پس از آن به وظایف کنونی جوانان ایرانی پرداخته شده است. آرمان شناسی، نفی نگاه غربی به جهان و انسان، تبدیل توهم به تحول در تحلیل مسائل آینده جهان، تقویت و رشد علمی و معنوی جوان ایرانی از اهم وظایف مذکور عنوان شده است.

مقدمه

قرار است در این مقاله از تربیت حماسی و لزوم آماده سازی منتظران جوان برای یاری مهدی موعود سخن بگوییم.

در این عرصه حرف اساسی این است که خداوند متعال برای یاری مظلومان، منتظر محافظه کاران و احزاب و گروهها و نخبگان! نخواهد ماند و سنت الهی بر این است که: «ولینصرن الله من ینصره» [۱] و اکنون جهان بشریت منتظر پرورش حماسه سازانی است که به ندای امام حق که قرن‌هاست به انتظار آنان نشسته است لَبیک بگویند. حرکت عظیم او فقط ۳۱۳ جوان گمنام! می‌خواهد که حاصل تربیت صحیح اسلامی و حماسی باشند.

قال ابو عبدالله، علیه السلام: اما لو کملت العدة الموصوفة ثلثمائة و بضعة عشر کان الذی تریدون.... [۲]

امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که اگر آن تعدادی را که توصیف شده اند، (سیصد و اندی) تکمیل گردد آن چه می‌خواهید (حکومت معصوم) انجام خواهد شد....

ترجیح می‌دهم سخن را با یک داستان ادامه دهم! و فکرمی کنم همه حرفی که می‌خواهم بگویم در این داستان نهفته است.

داستان مربوط به بزرگ ترین عملیات استشهادی قرن اخیر است. عملیات این جوان حماسه ساز لبنانی در ادبیات سیاسی و تاریخی ایالات متحده آمریکا به «کابوس اکتبر ۸۳» اشتهار پیدا کرد.

داستان یک حماسه

در فرودگاه بین‌المللی بیروت واقع در حومه‌ی جنوبی و محل سکونت شیعیان، ساختمان چهار طبقه‌ی مستحکمی قرار داشت. این ساختمان از بتون مسلح ساخته شده بود که برای انهدام آن، احتیاج به مواد منفجره‌ی بسیار زیادی بود.

در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۶۲/۶/۳ ه.ش (۲۵ اوت ۱۹۸۲م) تفنگداران دریایی آمریکا، وارد بیروت شدند تا بر اخراج چریک‌های فلسطینی از پایتخت لبنان نظارت کنند. نیروهای آمریکایی گروه - گروه در طبقات و اتاق‌های این ساختمان ساکن شدند.

آمریکایی‌های تازه وارد، در همان روزهای اوّلیه خوی استکباری خود را نشان داده و در بلبشوی آشوبهای داخلی، مناطق مسلمان نشین بر فراز کوه‌های مرکزی لبنان را با بی‌رحمی مورد حمله قرار دادند.

تفنگداران آمریکایی که هیچ‌گاه از عیاشی و فساد دست‌بر نمی‌داشتند، با بی‌خیالی نسبت به کشته شدن صدها زن و کودک و پیر در اثر بمباران‌ها و حمله‌های آنان، هر شب در محل استقرار خود در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بیروت، جشن برپا می‌کردند. و فواحش هدیه‌ای گروه‌های وطن فروش نیز تا نیمه‌های شب به سرگرم کردن سربازان مشغول بودند.

ولی این اوضاع طول نکشید و یک جوان گمنام، وظیفه‌سازمانهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر را که از انجام آن سر باز می‌زدند در یک شب انجام داد.

حدوداً ۲۴ روز پس از ورود آمریکایی‌ها به بیروت بود که راننده‌ی خندان و جوان یک کامیون بنز، پایگاه واحد دریایی آمریکا را منفجر ساخت و تفنگداران آدمکش را که از فرط عیاشی همه در خواب بودند، به هوا پرتاب کرد.

کامیون مرسدس بنز، از در جنوبی وارد طبقه‌ی همکف شد و طبقات دیگر را ویران کرد. در یک لحظه انفجاری عظیم بیروت را به لرزه در آورد. دقایقی نگذشت که ابری سیاه و غلیظ، آسمان محل حادثه را پوشاند. ساختمان فرماندهی تفنگداران، در یک چشم بر هم زدن، به گورستانی دست جمعی تبدیل شده بود. در همان اولین لحظات، ابر غلیظ قارچ مانندی که بزرگ و بزرگ‌تر می‌شد در آسمان به چشم خورد. این صحنه، خیلی‌ها را به یاد انفجار عظیم "هیروشیما" انداخت.

با پخش خبر انفجار مقر آمریکایی‌ها، مردم ستم کشیده بیروت و به خصوص مسلمانان، شادمان و خوشحال این ضربه عظیم را بر پیکر جنایتکاران "یانکی" تبریک گفتند. جوّ رعب و وحشت بر روحیه‌ی نیروهای خارجی حاضر در لبنان، به خصوص آمریکایی‌ها سایه افکند. از آن روز به بعد، گزارش‌ها و تهدیدهای مکرری درباره‌ی کامیون‌های بزرگی که به سرعت در حرکت بودند، و راننده‌هایشان لبخند بر لب داشتند، به نیروهای مداخله‌گر می‌رسید و آن‌ها را در کابوس مرگ فرو می‌برد.

این انفجار، بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های آمریکا برای دخالت هر چه بیش‌تر در لبنان را به هم ریخت، و بسیاری از تحلیل‌گران و صاحب‌نظران را به اعتراض علیه سیاست‌های سردمداران سیاسی آمریکا واداشت.

عملیاتی که داستانش گذشت نماد یک حماسه متفاوت است چرا که:

۱. هدف آن؛ تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت بودند که فرعون وار پسران لبنانی را می کشتند و دختران لبنانی را تباه می کردند و نه نمازگذاران سنی یا شیعه که در مناجات موسی گونه با خدای خود بودند!
 ۲. خوشحال شدگان از این عملیات همه مردان و زنان رنج دیده در همه کشورهای مستضعف بودند و نه شیوخ شکمبارۀ وهابی که بزرگترین هم‌تشان تردد بین مطبخ و مستراح است. [۳]
 ۳. و انجام دهنده: آن یک جوان شیعه لبنانی بود که هرگز شناخته نشد و نه یکی از اعضای طالبان که پس از دو سال درس خواندن خود را از همه علما داناتر بداند و از مشرک بودن همه جز خود و اطرافیانش رنج ببرد! و کار احمقانه خود را در بوق بی بی سی و الجزیره کند.
- واینک تنها چیزی که از جوان گمنام و حماسه ساز لبنانی باقی مانده حماسه بزرگ و هوشیارانه اوست که نشان از یک تربیت صحیح اسلامی دارد. [۴]

شناخسه‌های یاران حماسی مهدی

شاخسه‌های تربیت شدگان میدان حماسه و ایثار در مکتب امامت و مهدویت مشخصند:

۱. اراده هایشان محکم است و گویا هر یک قوه چهل مرد را دارند!

۲. از شیر دلیرترند!

۳. از نیزه کاری‌ترند!

۴. عاشق و مطیع امام خود هستند!

۵. اگر بر کوه‌ها بگذرند، کوه‌ها در هم فرو ریزند!

۶. دست از شمشیرهای خود باز نمی‌گیرند تا آن که خدای تعالی راضی شود!

۷. پارسایان شب‌اند!

۸. شیران روز‌اند!

۹. تنها از خدای متعال می‌ترسند!

۱۰. فریاد «لا إله إلا الله» آنان بلند است!

۱۱. همواره آرزوی شهادت دارند!

۱۲. بادهای مختلف آن‌ها را از مسیر حق جدا نمی‌کند!

۱۳. جوانند!

۱۴. بیشترشان ایرانی هستند!

۱۵. شعارشان «یا لثارات الحسین؛ بیایید به خون‌خواهی حسین» است. [۵]

جوانانی که دل در گرو موعود دارند و می خواهند زمینه ساز ظهور او و نجات دین و انسان از چنگال ظالمان مسلسل باشند باید بدانند که این نهضت عظیم جوان تنوری و پرشور و حماسه خواه و حماسه ساز و البته هشیار و دانا می خواهد. با ادعا و روحیه های بادکنکی! و تنبلی و تن پروری و جهل و غفلت نمی توان هیچ حرکت انقلابی را به راه انداخت یا یاری کرد.

اهمیت یاران حماسه ساز در نهضت های الهی

اساساً در تاریخ نهضت های الهی هیچ نهضتی بدون یاران وفادار و فداکار جان نگرفته است، انبیا و پیام آوران حق با این که موید از ناحیه خداوند بودند، اما روی یاران مومن حساب می کردند:

«و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا والله یحب الصابین» [۶]

و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها می رسید سست نشدند و ناتوان نگردیدند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. پیامبر بزرگوار اسلام در دوره بعثت علی رغم ناملایمات و سختی های فراوان و اصرار دوستان بر اعلان جنگ با دشمنان خدا، اجازه نبرد مسلحانه با دشمن را نداد چرا که جنگ نیاز به «عده» و «عده» دارد و این در مکه فراهم نبود. با هجرت حضرت به مدینه این مهم برآورده شد. دوره سخت مکه در حقیقت دوره سازندگی بود. حضرت در این دوره سربازانی فداکار پرورید؛ سربازانی که در جنگ های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) افتخارات فراوانی برای اسلام و مسلمین آفریدند. آنگاه که این زمینه ها فراهم شد در سال دوم هجرت اولین آیات قتال صادر شد:

«اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر» [۷]

به آنان که جنگ بر آنها تحمیل شده اجازه جهاد داده شد چرا که آنها مورد ستم قرار گرفته اند و البته خداوند بر یاری آنها قادر است.»

امام علی (علیه السلام) هم سکوت و هم پذیرش حکومت را مستند به یاران می کند و می فرماید:

«...لو لا حضور الحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء الا یقاروا علی کظه ظالم و لاسغب مظلوم لالقیته حبلها علی غاربها...» [۸]

اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفته و به یاریم قیام کردند و از این جهت حجت تمام شد و اگر نبود عهد و مسوولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر شکمخواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند من مهار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می کردم...»

حضرت امام حسن مجتبی مهم ترین فلسفه صلح خویش را نداشتن یارانی مومن و وفادار و فداکار ذکر می کند:
«لو وجدت انصارا لقاتلته لیلی و نهاری...» [۹]

اگر یارانی می یافتم شب و روزم را در جهاد با معاویه می گذراندم...»
در دوره حضرت امام صادق (علیه السلام) یاران شعاری فراوان بودند ولی یاران وفادار اندک، ساده اندیشان می پنداشتند که این یاران شعاری کارسازند، از این رو به امام صادق (علیه السلام) اعتراض می کردند که با وجود این همه یاور چرا نشسته اید و قیام نمی کنید؟ امام (علیه السلام) در پاسخشان می فرمود:

«لو کان لی شیعه بعدد هذه الجداء لما وسعنی القعود» [۱۰]

اگر به عدد این بزغاله ها (هفده عدد) یار می داشتم قیام می کردم...»

و در پاسخ «سهل خراسانی» که مشابه اعتراض فوق را داشت فرمود:

«... اما انا لانخرج فی زمان لانجد فیہ خمسه معاضدین لنا نحن اعلم بالوقت...» [۱۱]

آگاه باش ما تا زمانی که پنج یار همراه نیابیم قیام نمی کنیم ما زمان قیام را بهتر می دانیم...»
و حضرت امام مهدی (عجل الله فرجه) نیز به همراه ۳۱۳ نفر که در حقیقت فرماندهان لشکر حضرتند قیام می نماید و با این قیام الهی جهان را پر از عدل و داد می کند.

وظایف کنونی جوانان ایرانی

وظایف جوانان ایرانی در راستای زمینه سازی ظهور و تحقق تربیت حماسی نسل یاریگرمنجی روشن است و عزمی جدی برای پیگیری آنها لازم است:

• ۱. آرمان شناسی و آرمان خواهی

جوان شیعه پیوسته خود را با آرمانها می سنجد و با هدف قراردادن آنها مسیر درست و نزدیک را رصد میکند. بی تردید، آرمانها قدرت شگرفی در عرصه زندگی انسان دارند؛ استعدادهای آدمی را می پروراند و او را تربیت می کنند. پیوسته شیعه در کوه سار آرمانهای بلند، به جریان رشد و بالندگی و پرورش خود، ادامه داده است. این گونه بار مسؤولیت را در گردنه های سخت تاریخی به دوش کشیده و از حرکت باز نایستاده و همیشه به این آرمانها دلگرم بوده است.

عن الکاظم علیه السلام: «ان الشيعة تربی بالامانی منذ مأتین سنة» [۱۲]

امام کاظم می فرماید: «شیعه دویست سال است که در سایه آرمانها پرورده و تربیت می شود.»

و آرمان جوان شیعه از نگاه بزرگترین حماسه ساز قرن خمینی کبیر این است:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (صلی الله علیه وآله) است، به

سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم. [۱۳]

• ۲. نفی وضع موجود و نفی نگاه غربی به جهان و انسان

سالهاست که روشنفکر محافظه کاران با نگاه گداگونه به غرب فرهنگ و تمدن ریشه‌ای اسلام را مهجور کرده‌اند و جوان حماسی ایرانی باید این روند را عوض کند:

«امروز در چشم بسیاری از نخبگان و کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است.

غربی‌ها در تبلیغات خیلی ماهرند؛ در طول این ۳۰۰-۲۰۰ سالی که کار تبلیغاتی پی‌درپی می‌کنند، با تبلیغات موفق خودشان توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهن‌ها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن. هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب بشود، بایستی غربی بشود؛ این تبلیغات آنهاست. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه‌یافته نیست و هر چه فاصله‌اش بیشتر، فاصله‌اش از توسعه‌یافتگی بیشتر. این طوری می‌خواهند جا بیندازند و متأسفانه در ذهن‌ها جا انداخته‌اند.» [۱۴]

• ۳. تبدیل توهم به تحول در تحلیل مسائل آینده جهان

اگر بخواهیم انقلاب ما زمینه ساز ظهور امام زمان (عجل الله فرجه) باشد باید تحول در فرد و جامعه شیعی را زمینه سازی کنیم. برای رسیدن به این هدف باید تحول در جامعه و حاکمیت از یک سو و از سوی دیگر تحول فردی با افزایش: معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم در برابر امام زمان (عج) ایجاد شود. متأسفانه برخی در توهم بسر می‌برند و بدون ایجاد این زمینه‌سازی‌ها خود را منتظر می‌نامند در حالیکه که اگر این روابط اصلاح نگردد زمینه‌سازی اتفاق نمی‌افتد.

• ۴. تقویت و رشد علمی و معنوی جوان ایرانی

جامعه مدعی زمینه سازی ظهور باید توانایی‌های لازم را برای این امر داشته باشد. لذا جوان ایرانی باید به سمت ارتقاء معنویات خود جهت ایجاد صلاحیت‌های مورد نیاز برای یاری امام حرکت کند. البته حکومت اسلامی نیز باید با تمام توان در راستای رشد و بالندگی علمی، تکنولوژیکی و نظامی حرکت کند و علاوه بر تامین قدرت

بازدارندگی دفاعی، آمادگی‌های نظامی لازم را برای تامین اهداف بلند انقلاب جهانی به دست آورد. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما» [۱۵]؛

هر یک از شما برای قیام قائم (عج) باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد».

وامام کاظم (علیه السلام) فرمود: من ارتبط دابةً متوقّعاً به امرنا و یغیظ به عدونا و هو منسوب الینا ادرالله رزقه و شرح صدره و بلغه امله و کان عوناً علی حوائجه. [۱۶]

هر کس اسبی (کنایه از وسیله نقلیه) را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که منسوب به ما است؛ خداوند روزی‌اش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند.

اسب به عنوان تمثیلی از تمهیدات نظامی متناسب است که باید در هر زمان - مطابق با شرایط و مقتضیات - فراهم گردد.

[۱] حج، ۴۰.

[۲] النعمانی، ابی مریم، الغیبه، ص ۲۰۳.

[۳] اشاره به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام راجع به یکی از خلفا که از فرط عیاشی و ستمگری توسط گروهی از مهاجمین خشمگین به هلاکت رسید. ر.ک: نهج البلاغه صبحی صالح، ج ۳ (موسوم به خطبه شفشقیه).

[۴] اشاره به تعبیر مقام معظم رهبری راجع به حماسه ساز نوجوان دفاع مقدس شهید حسین فهمیده که فرمودند: «شهیدفهمیده حاصل تربیت صحیح اسلامی است.» (سخنرانی درسالگرد شهادت شهید فهمیده)

[۵] ر.ک: معجم الاحادیث الامام المهدی ج ۱، ص ۳۹۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴ و ۳۰۷؛ بلخی حنفی، سلیمان، ینابیع المودة، ص ۵۰۹.

[۶] آل عمران ۱۴۶.

[۷] طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

[۸] خطبه سوم نهج البلاغه

[۹] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۴۷.

[۱۰] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

[۱۱] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

[۱۲] نعمانی، ابی مریم، الغیبه، ص ۲۹۵.

[۱۳] صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۱۳۲ تاریخ: ۱۳۶۶/۵/۶.

[۱۴] سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه مشهد در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ماه سال ۸۶.

[۱۵] نعمانی، ابی مریم، الغیبه، ص ۱۷۲، بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

[۱۶] کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ج ۱.

تربیت حماسی

روش تربیتی و گفتمان امروزی پاسخگوی نیاز امروز ما نیست. روش تربیت ما باید متناسب با نیازهای جامعه امروزی باشد حتی براساس فرمایش امیرالمؤمنین (ع) نه تنها امروز بلکه باید متناسب با نیازهای فردای ما هم باشد چون تربیت شوندگان امروز مدیران آینده ما هستند. البته باید توجه شود که روش تربیتی ما کاملاً از متن اعتقادات، مبانی و اصول ما باشد و گرنه راهی به مقصد نخواهیم برد. به معنای دقیق اگر براساس روش‌هایی که

دیگران برای ما دیکته کرده‌اند کار تربیتی بکنیم این همان التقاط است. بحث اصلی روی تربیت اسلامی و ان هم به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلام ناب محمدی (ص) است و مهمترین ویژگی آن این است که نسخه‌ای جامع برای فلاح و رستگاری و شکوفایی و رشد است یعنی این نسخه تربیتی تمام ساحت‌های شخصیتی را دربر می‌گیرد. تربیت حماسی کاملاً منطبق بر آموزه‌های دینی است و باید به ۲ نقطه توجه کرد که اولاً مواظب باشیم دچار التقاط نشویم یعنی یک مسئله نامربوط را بنام دین به این جریان الصاق نکنیم و ثانیاً دچار جمود و تحجر در اجتهاداتی که متناسب با زمان خاصی بوده نشویم. جمود بروشها باعث می‌شود دین از کار آیی بیافتد. روزگاری کهد از ان به عصر انفجار اطلاعات و عصر جهانی شدن و عصر رویایی تودنها و ... نام برده می‌شود سبک تربیتی خاص خود را می‌طلب. پیشنهاد مکتب اسلام برای این عصر تربیت دینی ناب با برجسته سازی عنصر حماسه و فتوت است.

یکی از محورهای تربیت حماسی زندگی جهادی ویا تربیت جهادی است. از نظر قران مومن زمانی مجاهد می‌شود که مورد پسند پروردگار قرار گیرد. قرآن مومنان را به ۲ گروه قاعد و مجاهد تقسیم می‌کند که مومن مجاهد را مورد پسند قرار می‌دهد. جهاد در قران دارای مقدمه‌ای بنام هجرت است. درانواع هجرت این مقدمه وجود دارد، چه هجرت از انفس وچه از آفاق. بحث اصلی هجرت از انفس است منتها گاهی هجرت از آفاق هم چدید می‌آید مانند هجرت علمی است اینکه انسان برای افزایش دانش و علم مهاجرت کند. قرآن برای کسی که ایمانش در خطر است به صراحت می‌گوید (الم تکن ارض الله واسعه فتهاجر وافیهها) (نساء ۹۷) یعنی زمین خداوند گسترده و وسیع نبود که مهاجرت کنید؟

در مورد مهاجرت انفسی هم آیه ۱۰۰ سوره نساء میفرماید که (ومن یخرج من بینه مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله). امام راحل بیت را بیت انفسی معنا می‌کند. یعنی در هر مرتبه‌ای باشد باید از خودش مهاجرت کند یعنی این هجرت دائمی است و تا آخر عمر ادامه دارد.

یکی دیگر از مبانی تربیت حماسی مفهوم شهادت است که یکی از درجات متصور برای مومن است. شهادت آرزوی مومن است چون با سرعت فوق العاده واز یک راه میانبر انسان رابه کمال و هدف نهایی میرساند. کلید دیگری که در تربیت حماسی قابل تامل است در حدیث توصیف شیعیان است که می‌فرماید (رهبان باللیل ولیوث بالنهار) شیعیان شیران روز و نیایشگران شبها هستند. مومن مطلوب در زندگی فعال و اثر گذار است. در تعبیر شیران روزباید شجاعت، توکل و اعتماد بر خدا در حدبالایی باشد. خطبه ۳۱ نهج البلاغه منشور جامع تربیت اسلامی است، در قسمتباز آن آمده است (خض الغمرات الی الحق للحق حیث کان) این فراز در مقام ارائه یک سپهر تربیتی روی جوان مسلمان است که می‌خواهد یم زندگی شورانگیز داشته باشد. این فراز می‌گوید به خاطر حق، خود را به امواج سهمگین و دریای مشکلات بزن. درجایی هم اشاره دارد قبل از وارد میدان شدن هم باید معرفت و بصیرت لازم را داشته باشی تا منحرف نشوی.

تربیت حماسی یک تربیت فعال و شاداب و نه منفعل و ساکت است. کلید واژه دیگر صبر است. این واژه در متن دین کاملاً بار حماسی و جهادی دارد. یهنی وقتی به خط می‌زنی باید صبور باشی. عنصر اصلی شخصیت امام راحل این مرد الهی حماسه و فتوت است.

مبانی تربیت حماسی:

۱، تربیت کنش‌گر و فعال است و درمقابل تربیت منفعل و ساکن قرار دارد، ۲، تربیت نسل‌ساز است و درمقابل تربیت محدود و محدودکننده که تحت عنوان گلخانه‌ای تفسیر می‌شود، ۳، تربیت حماسی چون از جنس سرمایه‌گذاری است در زیر ساختهای شخصیتی، کاملاً عمیق و درون‌گرا و به عبارتی درون‌سازی است و درمقابل تربیت ظاهر ساز و منفعت‌جو است که درمقابل چالش‌ها فوری معلوم می‌شود هیچ بنیانی ندارد، ۴، تربیت حماسی بر خود آگاهی مبتنی است و درمقابل تربیت که بر از خود بیگانگی مبتنی است قرار دارد، ۵، در تربیت حماسی سهم تربیت شونده خیلی زیاد است و با کمک خود تربیت شونده فرایند تربیت اجرا می‌شود، ۶، عنصر توکل خیلی پررنگ است، ۷، در تربیت حماسی به تفکر انتقادی و تفکر خلاق مخاطب اهمیت زیادی داده می‌شود. شهید بهشتی جمله‌ای جالب در این مورد دارند، می‌فرمایند (اصلاً اسلام می‌خواهد که بچه فضول بار بیاند) یعنی تربیت پویا و نقاد داشته باشند.

البته باید توجه کرد سوء فهم از این تعابیر نشود که این نوع تربیت نوعی جن‌جویی یا عملیات استشهادی و ... است بلکه تاکید روی پویایی و فعال بودن این گفتمان است.

نمونه‌ای از این گفتمان در سالهای اول انقلاب قابل مشاهده است که در مساجد و دانشگاه‌ها و دیگر محل‌های تجمع جوانان حلقه‌های معرفتی و بحث‌های داغ با عمق بالا وجود داشت.

به گزارش خبرگزاری فارس از رشت، اسماعیل جانعلی‌پور بعد از ظهر امروز در جمع اعضای شورای دانش‌آموزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی گیلان سال‌های دفاع مقدس را مقطعی بی‌نظیر در تاریخ پس از حماسه عاشورا دانست و اظهار داشت: ترویج تربیت حماسی، جامعه را مقابل فتنه‌ها بیمه می‌کند. وی با بیان اینکه ژرفای ارزش‌های سال‌های دفاع مقدس هنوز ناشناخته مانده است، تصریح کرد: جنگ تحمیلی پس از انقلاب شکوهمند اسلامی شکل گرفت و موجب رهایی ملتی از وابستگی و استعمار شد. جانعلی‌پور افزود: با نگاهی به جانفشانی‌های ملت در دفاع از کشور درمی‌یابیم اسلام واقعی چگونه در تار و پود این انقلاب هنرنمایی کرده و فرزندان این مرز و بوم را که تربیت شده فرهنگ انقلاب و امام (ره) بودند به دفاع از کشور ترغیب کرد. مسئول اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان گیلان با اشاره به جایگاه رفیع ایران در عرصه‌های بین‌المللی خاطر نشان کرد: به فضل الهی ایران اسلامی با گذر از جنگی ویرانگر و بحران‌های پیچیده، در طلیعه دهه چهارم انقلاب با تأسی از تربیت حماسی مکتب امام (ره) و یادگاران سال‌های حماسه، در مقابل تمام دنیای استکبار با صلابت و اقتدار ایستاده است. وی وظیفه اصلی دانش‌آموزان مؤمن و انقلابی را اطاعت از رهنمودهای مقام معظم رهبری و

حضور متعهدانه در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بیان کرد و گفت: مسئولان نظام و متولیان تعلیم و تربیت باید باور کنند تمام مسئولان دهه‌های آینده نظام اسلامی امروز روی نیمکت‌های مدرسه‌ها نشسته‌اند. جانعلی پور مدرسه را کانون ترویج فرهنگ و علم آموزشی عنوان کرد و افزود: مدرسه به عنوان مکانی مقدس کانون جوشش، خلاقیت و جایگاه ترویج فرهنگ و علم آموزشی بوده و به فضل الهی و در سایه مقام معظم رهبری و تلاش‌های دولت در حال بازیابی جایگاه واقعی خود است. مسئول اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان گیلان تأکید کرد: با استفاده از تمام فرصت‌ها باید زمینه بهتر آموختن و زیستن برای نسلی که امید یک ملت و نقطه اتکا جامعه است را مهیا کرد تا بسترهای ورود آن به عرصه‌های مدیریت و سازندگی کشور فراهم شود. وی با اشاره به اینکه قطار تحول بنیادی در نظام تعلیم و تربیت به حرکت درآمده است، تصریح کرد: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان به عنوان تشکیلی انقلابی، ولایی و پرچمدار جنبش دانش‌آموزی به دنبال تقویت این جنبش بوده و آماده است در عرصه‌های برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت نقش شایسته‌ای در این حرکت بزرگ ایفا کند. جانعلی پور خاطر نشان کرد: با مجاهدت گسترده و تلاش روزافزون فرهنگیان و دانش‌آموزان باید مسیر حرکت و پیشرفت را هموارتر کرد.

معرفتی به نام حماسه

محمد رسول ظهیری - دانشجوی علوم ارتباطات و رسانه

اسلام دین سازندگی است. تربیت انسان‌ها و پرورش جامعه‌ای که در مسیر تکامل گام برداشته و از صفات رذیله و حیوانی دور باشد، مطالبه‌ای الهی است که در بطن شریعت و معارف دین مبین اسلام نهفته است. نگاه اسلام به انسان و جهان، نگاهی جامع و همه جانبه است. پس برای تربیت در پرتو اسلام نیز باید همه خواسته‌های مورد نظر این دین جامع را در نظر داشت. انسانی که به تربیت اسلامی رسیده باشد، در حقیقت به تکاملی دست یافته که ابعادی همچون حماسه را نیز در بر می‌گیرد. باید اذعان داشت که با این وصف، «تربیت حماسی»، اصلی انفکاک ناپذیر از تربیت دینی و اسلامی است. در این بین نباید از نظر دور نگاه داشت که حماسه و عرفان، مفاهیمی بلند و پرمغز هستند که در تار و پود یکدیگر تنیده شده‌اند. تکیه بر روح حماسی بدون معرفت و شناخت حقایق عالم وجود، راهی است که سر از بیراهه در می‌آورد. ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان بزرگترین الگوهای عالم خلقت، مرد راستین حماسه بودند؛ اما حماسه‌ای که نه برای جلب منفعت و حرکت در مسیر نفس، که تنها در راستای اراده الهی جاری می‌گردید.

نگاه ایدئولوژیک به مقوله جنگ در طول هشت سال مقاومت ملت مظلوم ایران در مقابل تهاجم جبهه جهانی استکبار، باعث گردید مفهوم عمیقی به نام «دفاع مقدس» شکل گرفته و پیکار با سردمداران کفر و نفاق از زاویه‌ای معنوی و معرفتی مورد ارزیابی قرار گیرد.

نگاهی هر چند کوتاه به زندگی و سیره حماسه سازان تاریخ ماندگار دفاع مقدس نشان می‌دهد که شهدای بزرگوار خط جهاد و ایثار، تجلی حقیقی انسان‌های تربیت یافته در مکتب قرآن و اسلام به حساب می‌آیند. آوازه حماسه‌های بی‌شمار مرد و زن مسلمان ایرانی، بسیاری از محققان این عرصه را به تأمل واداشته و اسطوره سازی‌های تخیلی، داستان سرایان شرق و عرب عالم را تحت تأثیر قرار داده است. اینک نگاهی گذرا می‌اندازیم به ریشه‌ها و جلوه‌های فردی و اجتماعی روح حماسی در ملت ایران.

الف - ریشه‌ها:

شکوفای شدن روح حماسی و سلحشوری مدافعان حریم اسلام و انقلاب را باید تابع چند عامل اساسی دانسته و مورد بررسی قرار داد:

تربیت والدین:

مطالعه زندگی و سیر تربیتی شهدای دفاع مقدس نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نوع نگرش والدین در مسائل تربیتی و همچنین نگاه آنان نسبت به انجام تکالیف دینی و کسب رضای خالق بی‌همتا و اعتقاد راسخ به اصل معاد، در شکل‌گیری شخصیت شهدای گرانقدر جبهه‌های ایثار و رشادت اثر بسیاری داشته است. «مادر شهیدان احمد و محمد کشوری می‌گوید: نیمه‌های شب از خواب برخاسته و متوجه راز و نیازهای محمد بر سر سجاده گردیدم. او هنوز در نوجوانی به سر می‌برد. فهمیدم شهادتش نزدیک است. صبح که شد، گفتم برود و از خودش عکس بگیرد تا در خانه نگه دارم. به او گفتم راضی نیستم به طور عادی شهید شوی! باید مثل برادرت احمد آنقدر از نیروهای دشمن را به خاک بیندازی تا خودت هم به شهادت برسی...» [۱]

هدایت‌های حضرت امام (ره):

روش تربیتی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبری تأثیر گزار در جامعه را نیز نباید از نظر دور نگاه داشت. پیر جماران، حسین فهمیده که نارنجک به کمر بسته و مانع پیشروی تانک دشمن گردید را به عنوان «رهبر» معرفی می‌نماید. [۲] این نگرش یادآور جمله معروف ایشان است که «تکلیف ما را سیدالشهدا مشخص کرده است. [۳]»

درس آموزی از محرم:

محرم، ماه حماسه و شهادت است. علاقه وصف ناپذیر رزمندگان جبهه اسلام به اسوه‌های بی‌نظیر نینوا، فرهنگ عاشورایی را در وجود آنان شکوفا ساخت و آنها از هیچ فرصتی برای یادآوری و الگوبرداری از حماسه سازان کربلای اباعبدالله علیه السلام فرو گزار نمی‌کردند.

به هر حال در جمع بندی ریشه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار شخصیتی سرداران شهید اسلام باید به عنصر «اراده» نیز توجه داشت. بی‌شک خواست قلبی آنان در عملی ساختن آموزه‌های دینی و اخلاقی باعث گردید تا به جای پناه بردن به انزوا و تحجر، در میدان عمل، حماسه‌هایی شگرف را از خود بر جای بگذارند.

ب - جلوه‌های اجتماعی:

برخی از جلوه‌های اجتماعی تربیت حماسی در سیره شهدای گرانقدر دفاع مقدس را می‌توان در موارد زیر مورد توجه قرار داد:

انقلاب و دفاع مقدس:

اصل شرکت در مبارزه بر ضد رژیم طاعت و حضور در میادین پیکار و جهاد در راه خدا، جلوه‌ای از ظهور روح حماسی دلیر مردان و شیر زنان این آب و خاک محسوب می‌شود. آنان بی‌هیچ توقعی، حیات خویش را در معرض نابودی ظاهری قرار داده و با آگاهی کامل، شهادت در راه خدا را بر زندگی در زیر سلطه‌ی مستکبران ترجیح می‌دادند.

دغدغه‌های اجتماعی:

حساسیت در محیط: نگاه آرمانی به جامعه، مانع از سکوت و انزوا طلبی شهدا و رزمندگان میهن اسلامی بود. آنان همواره با حساسیت نسبت به وقایع پیرامون خود و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، سعی در اصلاح ناهنجاری‌های جامعه داشته و تلاش می‌نمودند که فرهنگ اسلامی و انسانی در فضای کشور توسعه پیدا یابد. تشکیل انجمن‌های اسلامی و پایگاه‌های مقاومت بسیج در سطح محلات و انجام فعالیت‌های فرهنگی، نمونه‌ای از دغدغه‌های شهدای والا مقام به منظور ترویج و اشاعه فرهنگ اصیل اسلام در سطح جامعه به حساب می‌آید.

کمک به هموعان:

جهاد سازندگی، نمونه‌ای سازمان یافته از مشارکت انقلابیون مسلمان برای دستگیری از ضعفا و کمک به محرومان محسوب می‌شود. روح حماسی مرد و زن مسلمان کشورمان آنان را از بی‌تفاوتی نسبت به وضع جامعه باز می‌داشته است. جهاد سازندگی به دستور حضرت امام (ره) با حضور جوانان داوطلب در مناطق دور افتاده و محروم کشورمان منشأ بسیاری از خدمات فراموش ناشدنی گردید. شهدای گرانقدر ما البته به این فعالیتها اکتفا نکرده و در هر فرصتی نسبت به دستگیری از فقرا و نیازمندان در خفا و گمنامی اقدام می‌نمودند. شهید حاج

ابراهیم همت، سردار آسمانی خیبر به همسرش می‌گفت: «اگر می‌خواهی از تو راضی باشم، سعی کن با آنهایی بیشتر رفت و آمد کنی که مشکلات دارند؛ بلکه با خبر شوم و کاری برایشان انجام دهم.» [۴]

عملیات و رزم:

طراحی: بسیاری از دلاوران حماسه ساز کشورمان از نیروهای داوطلب مردمی بودند که آشنایی کلاسیک با تاکتیک‌های پیچیده نظامی نداشتند. قدرت ایمان و اراده‌ای که در باور عمیق آنان نهفته بود باعث شد تا با کسب تجربه و ایستادگی جوانمردانه در مقابل دشمن هر روز بر آموخته‌های نظامی و رزمی خویش بیافزایند. جسارت آنان در مقابل پیچیده‌ترین شگردهای نوین دشمن باعث گردید تا در نهایت خود نیز بتوانند با طراحی عملیات‌هایی بزرگ، همچون آزاد سازی خرمشهر آوازه خویش را در جهان بگسترانند. عملیات غرور آفرین والفجر هشت و تصرف شهر نظامی و بندر استراتژیک فاو در عراق و قطع ارتباط این کشور با آبهای آزاد از طراحی خاصی برخوردار بوده که ناظران و کارشناسان بین‌المللی را به تعجب واداشت. رادیو آمریکا در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۵ اعلام کرد: «تحلیل گران نظامی غرب معتقدند برای عبور ایران از شط العرب (اروند رود) این کشور نیاز به تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوعند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته‌اند از این آبراه عبور نموده و به مواضع عراقی‌ها دست یابند؛ ضمن اینکه این مسأله علیرغم برتری هوایی عراق صورت گرفته است.» [۵]

مواجهه با دشمن:

شجاعت مثال زدنی و عدم ترس از رویارویی با دشمنی که از مجهزترین سلاحهای کشنده برخوردار بوده و از وحشیانه‌ترین اقدامات برای نابودی ارتش اسلام استفاده می‌نمودند، جز در پرتو تربیت حماسی خط شکنان عرصه جهاد و شهادت قابل تصور و ترسیم نمی‌باشد.

کنت دُمارانش (رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه) می‌گوید: «در اردوگاه‌های اسرای ایرانی افرادی را دیدیم که قاطعانه برای فدا کردن جان خود در راه اعتقاداتشان آمادگی داشتند. اعتقادات مذهبی این افراد برای سوق دادن آنان به سوی انجام کارهایی که به طرز غیر قابل باوری سخت بودند، نقش بسزایی داشته است.» [۶]

ساختار اداری:

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، از جمله اتفاقات مهمی که رخ داد، تغییر در ساختار رئیس و مرئوس در سطح ادارات و وزارت خانه‌ها بود. بسیاری از مسئولین بی‌اعتنا به تمایلات نفسانی ناشی از ریاست بر بخشهایی مهم از بدنه اجرایی کشور، با تمسک به مولای متقیان رویه‌ای مردمی در پیش گرفته و با ساده زیستی

و پرهیز از تجملات غیر ضروری زندگی خویش را هم سطح مردم گردانیدند. همچنین به منظور هر چه بهتر انجام دادن مسئولیت‌های خود و نظارت بر زیر دستان، بی‌توجه به عناوین تشریفاتی که ریشه در تفکر طاغوتی داشته است، همپای آنان، در خفا به کار مشغول می‌شده‌اند.

برای نمونه می‌توان به شهید بزرگوار، مهندس مهدی باکری که شهردار ارومیه بود، اشاره کرد. او در جریان سیل در برخی مناطق شهر، همپای امدادگران در لایه لای گل و لای به کمک رسانی مشغول گردید. خاطره معروفی نیز از حضور ناشناس و مخفی وی در بین کارگران شهرداری برای نظارت دقیق بر عملکرد آنان، امروز به عنوان الگویی مدیریتی مطرح می‌باشد. [۷] این شهامت ارزشمند در بی‌اعتنایی به جاه و مقامهای دنیوی را باید نشأت گرفته از تربیت حماسی آنان دانست.

علم و صنعت:

یکی دیگر از جلوه‌های ظهور روح حماسی در ابعاد اجتماعی راد مردان سلحشور دفاع مقدس، مقابله با تحریم‌های اقتصادی و نظامی و به کارگیری توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود برای برطرف نمودن کمبودها می‌باشد. ابتکار عمل آنان باعث شد تا نسبت به قالب‌های موجود، تسلیم نبوده و روح خودباوری در درونشان تقویت شود.

شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی) از فرماندهان بی‌نظیر دفاع مقدس در این باره می‌گوید: «نیروهای ما با توجه به بُعد انقلابی که دارند و چشم و گوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های پیش ساخته خارج شوند و با فکر سازنده ی خویش روش‌هایی را ابداع کنند که دشمن نخواهد توانست به سادگی به دفاع در مقابل آن برخیزد.» [۸]

اشاعه فرهنگ خودباوری در سالهای پس از دوران دفاع مقدس تا امروز، باعث حیرت کارشناسان کشورهای مختلف گردیده است. پیشرفت‌های علمی کشور ایران روز به روز افزایش می‌یابد و حتی تهیه فهرستی از اختراعات جوانان این مرز و بوم نیز به کتابی مستقل نیازمند است. خودباوری در عرصه فن آوری را باید حاصل اعتماد به نفس در روزهای دشوار جنگ تحمیلی دانست؛ چه اینکه پیش از آن هیچ گاه نمی‌توان چنین آمار شگفت آوری از خلاقیت‌ها و ابداعات دانشمندان جوان ایرانی را پیدا کرد.

ج - جلوه‌های فردی:

بروز ویژگی‌های اجتماعی که نشانگر وجود تربیت حماسی در سرداران بی‌نام و نشان جبهه توحید بوده، بی‌تردید زمینه‌های فردی و درونی را نیز شامل می‌شده است. نخستین ثمره تربیت حماسی در وجود انسان‌ها،

پرهیز از خود محوری و نفس گرایی است. کسی که شهادت دین داری را داشته باشد، ابایی از مبارزه با گرایش‌های غیر فطری خویش نخواهد داشت.

برخی از این نشانه‌های درونی تربیت حماسی در رفتار و منش فردی بزرگ مردان تاریخ حماسه و ایثار عبارتند از:

اصلاح رفتار و گرایش به نیکی‌ها:

شهادی والا مقام همواره در صدد مقابله با صفات ناپسند خود بودند تا راه کمال را سریع‌تر بپیمایند. آنان با اتخاذ رویه‌های مثبت مانند صداقت، اخلاص، گمنامی، صبر، تواضع و... سعی داشتند رفتار خود را بیش از پیش اصلاح نموده و آموخته‌های مذهبی و اخلاقی را با قدرت اراده، در عمل خویش اجرا نمایند.

تأدیب نفس:

در زندگی و خاطرات بسیاری از شهدا می‌خوانیم که آنان در صورت انجام عملی ناپسند و یا ترک ناخواسته رفتاری مستحب، خود را با روش‌هایی مانند گرفتن روزه و دادن صدقه و... تنبیه می‌نمودند.

تعلق ناپذیری:

منش عرفانی شهدای عالیقدر، از آنان انسان‌هایی ساخته بود که به هیچیک از جاذبه‌های مادی وابستگی نداشته و همواره آماده ایثار و گذشتن از همه داشته‌های این دنیایی خود بوده‌اند. وجود این روحیه باعث بزرگ منشی در رفتار آنها گردیده و آنان را از توجه و پرداختن به مسائل کم اهمیت باز می‌دارد.

تبعیت از ولایت:

شهادی دفاع مقدس نسبت به اوامر حضرت امام (ره) حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته‌اند. آنان به خاطر کسب رضایت خداوند از ولی امر خویش اطاعت محض نموده و آماده هر نوع ایثارگری در عمل به دستورات ایشان بوده‌اند. تبعیت از فرماندهان نظامی نیز با اعتقاد به اصل ولایت پذیری و تأمین نظر ولی فقیه صورت می‌گرفت و آنها حتی در صورت تعارض دیدگاه خود نیز از دستورات فرماندهی سرپیچی نمی‌نمودند.

شهادت طلبی:

مرگ آگاهی و شهادت طلبی، بزرگ ترین جلوه تربیت حماسی است. شهید عباس خوارزمی در وصیت-نامه خود می‌نویسد: «عروسی من در جبهه و عروس من شهادت است. صدای غرش گلوله توپ و خمپاره عقد مرا می‌خواند.» [۹]

وجود چنین روحیه‌ای، نشان اوج کمال انسانی است، آن گونه که خورشید صالحان، خمینی کبیر در وصف سربازان شهید خویش فرمود: «... یک شبه ره صد ساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند...» [۱۰]

تربیت حماسی همان تربیت صحیح و کامل اسلامی است. هر نوع رویکرد عرفانی و معرفتی در امر تربیت، منهای عنصر حماسه ناقص محسوب می‌شود و شهدا والاترین نماد تربیت انسان‌های اسلامی می‌باشند. مگر نه آنکه پیامبر (ص) وعده داده اند: «در آخرالزمان، شهادت، بهترین‌های امت مرا گلچین می‌کند» [۱۱]؟ پس بهترین‌های امت، مقرب‌ترین بندگان خداوند و عارفان حقیقی حق و حقیقت‌اند و تحقق این معنا بدون رویکرد به تربیت حماسی، امری ناتمام و ناممکن می‌باشد.

در آخر نیز بر این نکته تأکید می‌کنیم که تأسی به سیره شهیدان عالی مقام، بهترین روش الگو سازی برای توسعه تربیت حماسی در لایه‌های مختلف اجتماعی است.

۱. مصاحبه نگارنده با مادر شهیدان کشوری.

۲. صحیفه نور.

۳. صحیفه نور.

۴. نیمه پنهان ماه ۲. همت به روایت همسر، ص ۲۴، روایت فتح.

۵. شب بارانی حمله. سید مسعود جزایری، ص ۱۷۰. اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه.

۶. لایه‌های پنهان جنگ. ص ۴۰، ستاد کل نیروهای مسلح.

۷. ماهنامه فکه - سال دوم شماره ۲۰: راوی: برادر کاملی.

۸. سایت جامع دفاع مقدس.

۹. روایت مقدس، ص ۸۲ مؤسسه روایت سیره شهدا.

۱۰. صحیفه نور جلد ۱۷ ص ۱۸۹، ۶۱/۱۱/۲۱.

۱۱. دعواة الراوندی، ص ۳۵، حدیث ۶۵۰.

تربیت حماسی

متن حاضر حاصل سخنرانی حجت‌السلام و المسلمین آقایی است که در جمع رابطین استانی مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان ایراد شده است. تربیت حماسی و معانی و مبانی مقدماتی آن و نیز لزوم پرداختن به این موضوع برای دانش‌آموزان، از جمله محورهای سخنان ایشان است.

واژه‌ی تربیت حماسی، تقریباً می‌شود گفت که ابتکاری است. مقام معظم رهبری بحث تربیت جهادی یا ورود روحیه‌ی جهادی را در تربیت در سال‌های قبل مطرح نمودند و به تعبیری می‌شود گفت ایشان این واژه را ابداع و ابتکار کردند. اما بعد از طرح بحث جنبش دانش‌آموزی و این که روحیه‌ی تربیت منفعل باید تبدیل به تربیت فعال شود، مسأله‌ی تربیت حماسی توسط حاج آقا حاج علی اکبری مطرح شد. لذا این واژه کلاً واژه‌ی نوی است و جای کار دارد و باید به عنوان یک نیاز امروز در فضای تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد. با عنایت به این دو نکته، من در چند نکته‌ی مختصر، برای این که سرفصل‌ها را گفته باشم، به عنوان مدخل طرح بحث می‌کنم.

• نکته‌ی اول

حتی اگر بخواهیم حرفی از تربیت حماسی به زبان بیاوریم و درباره‌ی چیستی و چرایی این مطلب به گفت و گو پردازیم، یک نکته‌ی مشترک و یک وجه مشترک برای آغاز بحث داریم، و آن این مطلب است که امروزه نظام تعلیم و تربیت ما حقیقتاً نیاز به یک تغییر و تحول دارد؛ آن هم تغییرات همه‌جانبه از ابتدایی‌ترین مباحثش که مباحث مبانی و فلسفی است، تا جزئی‌ترین مباحث آن که مسأله‌ی رفتار دانش‌آموزان و فرزندان و حتی مربیان است.

امروزه فکر می‌کنم کسی در کشور ما نباشد که به تغییر و تحول در نظام تعلیم و تربیت فارغ از هرگونه تعلق سیاسی اعتقاد نداشته باشد؛ البته هرکسی از منظر خودش. جریان تربیت حماسی می‌تواند به عنوان یک جریان نقاد و حتی ساختار شکن البته نه شالوده برانداز، چون آن بحث دیگری است مطرح شده و به عنوان یک مدل و الگوی قابل بحث وارد مباحث تعلیم و تربیت شود.

• نکته‌ی دوم

نگاه تربیتی موجود با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو است، و از نظر چیزهایی که ما دیدیم در سال‌های اخیر به عنوان کتاب‌های تعلیم و تربیت مطرح شده، دارای آفات و عیب‌های مختلفی است. اولین مشکلی که شاید این نظام دارد، در حیطه‌ی اندیشه و نظریه‌پردازی این است که مباحث نوعاً کهنه هست. شما الان اگر چهل، پنجاه تا کتاب که در همین سال‌های اخیر به موضوع تربیت پرداخته، فقط فهرست آن‌ها را نگاه کنید، می‌بینید که چیزی در آن در نمی‌آید؛ همه مباحث تکراری است و از مبانی و اصول و روش‌های و راهکارها و شیوه‌ها شروع کرده و به اتمام رسانده‌اند؛ نوعاً به شکل‌ها و با بیان‌های مختلف، اما وقتی انسان این‌ها را می‌چلاند؛ می‌بیند که در آن مطلب عمده‌ای نیست. فهرست‌نویسی‌ها یکسان، مدخل‌ها تکراری و مباحث تقریباً یکنواخت است.

انسان وقتی این‌ها را مطالعه می‌کند، اگر بخواهد یک مطلب جدید ارائه کند، واقعاً در می‌ماند که باید چگونه این اتفاق بیفتد. ولذا نزدیک به پنجاه سال است که ساختار و فضای دانشگاهی و حوزوی ما، نوع روابطی که در ساختار تعلیم و تربیت عرضه کرده‌اند، مباحث تقریباً تکراری است. پس نکته‌ی دوم، تکراری بودن مباحث است، که نیاز دارد به این که طرحی نو در بیفتد و پوسته بپندازد و محتوای آن متحول شود.

• نکته‌ی سوم

در کنار این کهنگی، ما باید بحث ناکارآمدی را هم اضافه کنیم. عمده کسانی که در عرصه‌ی تربیت به مسایل نظری پرداخته‌اند به خصوص در مدخل تربیت دینی وقتی خودشان به مقام مربیگری رسیدند؛ یعنی آن چیزهایی که گفتند و نوشتند و شنیدند، به عرصه‌ی عمل آوردند و خودشان معلم و مربی شدند مثل بسیاری از کسانی که ما می‌بینیم، می‌بینیم که فاصله‌ی بزرگ و شکاف عمیقی بین آن چیزهایی که در کتاب‌ها هست با آن چیزهایی که اتفاق می‌افتد، واقعاً وجود دارد. همین شکاف بین آنچه که در آن نظریه‌ها هست، باعث می‌شود ما دچار یک جور آشفتگی و بحران شویم، و عمده‌ی این مباحث نظری به جوری ناکارآمد جلوه می‌کند و خیلی به کار نمی‌آید؛ به خصوص این که ما شاهد تغییرات عمده‌ی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هم در جامعه هستیم. مسایلی که مطرح می‌کنند، تفاوت بین نسل‌ها، گسست بین نسل‌ها، شکاف بین نسل‌ها، و هرکسی یک معنایی را می‌گوید؛ حداقل باید بگوییم واقعاً تفاوت بین نسل‌ها و شکاف بین نسل‌ها داریم، ولی اگر دیر برای این قضیه بچنینیم، به تدریج ممکن است این تفاوت، تبدیل به شکاف و گسست هم بشود.

بحران هویتی که نسل امروز در جهان گرفتارش هست، و مسأله‌ی هویت‌یابی و هویت‌سازی‌های جعلی که امروز دشمن دارد می‌کند، هویت‌های آرمانی ما را کنار می‌زند و خودش هویت‌های آرمانی را در اختیار می‌گذارد. ما در هویت فردی، یک هویت مورد انتظار و یک هویت آرمانی داریم. هویت مورد انتظار جامعه از یک دانش‌آموز و یک جوان می‌خواهد، اما هویت آرمانی آن چیزی که است که دین از جامعه‌ی ما می‌خواهد. کار دشمن این است که این‌ها را جابه‌جا کند و جایش آنچه را که خود او مد نظرش هست، بگذارد.

همین نکته باعث می‌شود که نظام تربیتی موجود ما با این فاصله‌ای که بین مباحث نظری و عرصه‌ی اجرا و عمل دارد، این مسایل و حوادث عارض بر جامعه و اجتماع هم درد را مضاعف کند. به ذهن می‌آید که این مباحث نظری که الان در عرصه تربیت هست، ناکارآمد است، و نیازمند به کارآمد کردن نظام تربیتی، با کم کردن فاصله بین آنچه که در مقام نظر و عمل است.

• نکته‌ی چهارم

شاید تأسّف‌بارترین مطلب این باشد که بعد از سی سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، آن هم انقلابی که بسیاری از معادلات جهانی را واقعاً دچار تغییر و تحول کرده و محصور در یک مرز خاص نشده است، نظام تربیتی موجود ما به درجه‌ای از جمود رسیده که رهبری را هم به تذکر واداشته است. مقام معظم رهبری

فرموده‌اند: «این که تحول نیست؛ اول یک کتاب یک عکسی عوض بشود، یک عکس دیگر بیاید» این عین تعبیر خود آقا است. گویا در یک جایی ابراز نگرانی کرده‌اند.

برخی از این کتاب‌های که الان به عنوان کتاب‌های دینی داده می‌شود، هیچ فایده‌ای برای متدین کردن بچه‌های ما ندارد؛ اگر در ذهن آن‌ها شبهه‌هایی هم وارد نکند. ما در انقلاب سیاسی موفق بودیم و توانستیم یک دگرگونی به وجود بیاوریم؛ در جنبه‌های اقتصادی و علمی هم نسبتاً توانستیم استقلال و خودکفایی خودمان را به دست آوریم؛ در عرصه‌های فرهنگی هم جنبش‌های خیلی خوبی داشتیم. اما این‌ها بیش‌تر شبیه جرقه‌هاست و تبدیل به یک روند نشده است. اگر چه واقعاً سخت است و ما سی سال را فرصت خیلی زیادی نمی‌دانیم، چون عرصه‌ی تربیت، مبانی خاص خودش را داشته و زحمات خاص خودش را داشته و زحمات خاص علمی و مشکلات عجیب و پیچیده‌ای دارد، که طبعاً با برخی از عرصه‌های دیگر، خیلی متفاوت است، اما بالاخره به نظر می‌آید که باید در این عرصه کار کنیم. در سایه‌ی انقلاب اسلامی، تحولات عمده‌ای انجام شده، ولی بیش‌تر درخشش ستاره‌هایی در سپهر تربیتی کشور است؛ از جمله دفاع مقدس.

تجربه‌های شگرف هشت سال دفاع مقدس، در این عرصه، هم بسیار کارگشا و راه‌گشاست و هم یک ذخیره است، به همین جهت، یکی از وظایف کسانی که در عرصه‌ی تربیت حماسی فعالیت می‌کنند، مستندسازی اتفاقاتی است که در دفاع مقدس افتاده، و فرآوری خاطراتی که از دفاع مقدس مانده، جمع‌آوری و تدوین شده، و نیز به روزرسانی خاطرات و وصایای شهدا به زبان‌های مختلف. بحث دفاع مقدس بخش زیادی از تربیت حماسی است، اما همه آن نیست و ما تربیت حماسی را معادل دفاع مقدس نمی‌گیریم. ما در بحث هم‌کلاسی آسمانی، یکی از آسیب‌هایی که ممکن است داشته باشیم، می‌گوییم هم‌کلاسی آسمانی، همان ترویج حماسی است. هرچند این درست است و در راستای تربیت حماسی است، اما در حقیقت همه‌ی آن نیست.

• نکته‌ی پنجم

نظام تربیتی ما اگر چه تلاش کرده و در عرصه‌ی تربیت دینی وارد شده، اما کتاب‌های خوبی ارائه نکرده است. من الان خودم فکر می‌کنم، نمی‌توانم ۵ تا را به ۱۰ تا برسانید و به ما هم بگویید تا استفاده کنیم. حقیقتاً این جور است. بعضی‌ها تربیت را با روان‌شناسی، بعضی‌ها به اخلاق و بعضی‌ها با عرفان اشتباه گرفته‌اند؛ یعنی آدم ملاحظه که می‌کند، یک خلط بین مباحث مختلف را در این مسایل می‌بینید؛ به اضافه‌ی این که نوعاً منفعل است.

قبل از انقلاب ما تحت تأثیر اندیشه‌های کمونیستی بودیم؛ اما بعد از انقلاب و به خصوص بعد از دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه، شما ملقمه‌ای از هجوم ایده‌ها و اندیشه‌های تربیتی و ترجمه‌هایی از متون تربیتی را می‌بینید؛ از ایده‌آلیستی به معنای منحرف آن، تا رئالیستی به معنای منحرفش، تا اگزیستانسیالیستی به معنای واقعی‌اش، تا پوزیتیویستی که این اواخر همین آقای سروش و دیگران مطرح کردند، و به نوعی در کتاب‌های مختلف هم نوشته شده است. اخیراً هم که متأسفانه آموزه‌های عرفانی و تربیتی شرقی به معنای هندی و چینی و کنفوسیوسی و ذن و یوگا و امثال این‌ها هجوم آورده‌اند و دارند خود را تحمیل می‌کنند. عکس‌العمل ما در این عرصه، کار و

تلاش فعال نیست. چرا این جوری است؟ برای این که آن جور که باید و شاید، در عرصه‌ی نظریه‌پردازی و کار علمی و عملی دقیق نیستیم.

• نکته‌ی ششم

در آثاری هم که سعی شده مستقیماً از متون دینی و تاریخ دینی استخراج شود، نوعی سردرگمی و ابهام به چشم می‌خورد. همان نکته‌ای که عرض کردم، در این آثار عمدتاً تربیت یا مساوی با عرفان، یا مساوی با روان‌شناسی است، و یک نوع خلط مبحث را می‌بینیم. در حقیقت ما با آثار تخصصی در زمینه تربیت دینی مواجه نیستیم. عناوین عوض شدند، اما محتوا آن جور که باید و شاید نه.

خب، این پنج شش نکته به سبب وضعیت کنونی است. از این نکته به بعد، سه چهار نکته می‌خواهم درباره‌ی تربیت حماسی بگویم.

• روحیه‌ی حماسی

این جا من نوشتم حماسه. تربیت حماسی از همین نقطه آغاز می‌شود، و آن داشتن شجاعت و جسارت برای ساختار شکنی سرای کهنه و ناکار آمد تربیتی کشور، با خلاقیت و ابتکار علمی و نوآوری در این زمینه است. به یقین، به ایده‌ی تربیت حماسی همانند تمام ایده‌های علمی، چه در مقام ثبوت و چه در مقام اثبات، نقدها و ایرادات گوناگونی وارد خواهد بود، و کسی هم منکر آن نیست. ممکن است وقتی ما مسایل را مطرح کرده و کتابی‌اش می‌کنیم، ده نفر به این مسایل ایراد وارد کنند. اتفاقاً خیلی خوب است، اما فرار از کلیشه‌های رایج و ساختارهای سنتی و کهنه و در انداختن طرحی نو با استفاده از قوه‌ی خلاقیت و سرمایه‌های ارزشمند دینی و ملی، کار ساده‌ای نیست. این خود نیاز به روحیه‌ی حماسی به معنای واقعی کلمه دارد؛ چرا که به تعبیر آقا، در این زمینه باید انقلابی دیگر رخ دهد و مهم‌ترین نیاز انقلاب، داشتن روحیه‌ی حماسی است. همین کار در عرصه‌ی تربیت هم روحیه‌ی حماسی می‌خواهد و بدون آن نمی‌شود.

• تربیت حماسی چیست؟

از همین اول یک مسأله را معلوم کنیم، که ابهامات احتمالی برطرف شود. چرا؟ برای این که پیش‌زمینه‌های ذهنی و محدودیت‌های زبانی ممکن است که مشکل ساز شود. وقتی ما می‌گوییم تربیت حماسی، بحث‌مان پرورش چریک یا کار نظامی نیست؛ اگرچه این هم بخشی از آن است. به قول معروف، منظورمان از تربیت حماسی، روحیه‌ی سلحشوری نیست؛ اگرچه جزء بسیار مهم آن است و باید بروز و ظهور بسیار پررنگی داشته باشد و به عنوان یک ملاک بسیار مهم مدنظر قرار گیرد. چون اگر ما بخواهیم محدود کنیم و بگوییم روحیه‌ی سلحشوری، خب تربیت حماسی به نظر می‌آید خیلی چیز جدیدی نیست، بلکه امری است که در گذشته، بارها و بارها اتفاق افتاده و این روحیه در خوارج نهروان هم یک جور بوده است. سلحشوری، در مسایل دینی و در

نظام دینی ما معنای خاص خودش را پیدا می‌کند و اگر با مسایل دینی پیوند نخورد، نوعی جهالت و حماقت از آن در می‌آید؛ همین روحیه‌ی حماقت را در القاعده شما مشاهده می‌کنید.

مراد ما از تربیت حماسی، به این معنا نیست، بلکه یک معنای بسیار وسیع‌تر است، که درباره‌ی آن باید کار کنیم. مثلاً یک واژه، واژه‌ی فتوت است. آیا ما به جای تربیت حماسی، می‌توانیم تربیت جوانمردانه بگوییم؟ یا تربیت سلحشوری بگوییم؟ روی این باید بحث کنیم که منظورمان از تربیت حماسی چیست؟ البته تربیت حماسی با فتوت خیلی نزدیک است.

• تربیت حماسی در دفاع مقدس

نکته‌ی دیگر این که دفاع مقدس ما، طبعاً زیبایی‌هایش فقط به شجاعت بچه‌ها نبوده، بلکه دفاع مقدس نمایشگاهی از همه خوبی‌هایی بوده است که در یک انسان غیر معصوم دیده می‌شود؛ عبادت و نماز آن‌ها، خنده‌ی آن‌ها، مزاح‌هایی که در شب عملیات اتفاق می‌افتاد، روحیه‌ای که رزمندگان و ایثارگران ما داشتند؛ این‌ها آن تلقی ما از تربیت حماسی است. شاید این زحمتی که شهید ضابط برای تفحص سیره‌ی شهدا کشید، نگاهی به این مطلب و بحث تربیت حماسی داشته؛ حتماً همین طور بوده است، چون من خاطر هست در این بحثی که آقای حاج علی اکبری مطرح کردند، یکی از کسانی که خیلی به واژه‌ی «تربیت حماسی» علاقه نشان داد، مرحوم آقای ضابط بود، که می‌گفت این خیلی تعبیر زیبا و قشنگی است. به نظرم این واژه در اساسنامه‌ی مرکز تفحص سیره‌ی شهدا در هم یکی دو جا آمده است.

• ضروری طرح تربیت حماسی در مهندسی فرهنگی کشور

انتخاب واژه‌ها و کلمه‌هایی نظیر حماسه و حماسی، در راستای هماهنگی و یکدستی در فضای کلی فرهنگی کشور و ایجاد هماهنگی کلام در ساختار مهندسی فرهنگی کشور است، که براساس دیدگاه‌ها و افق‌های بلند فکری مقام معظم رهبری تصویر می‌شود. طبعاً اگر ما بخواهیم چنین کاری را کنیم، باید برای تربیت حماسی در مهندسی فرهنگی کشور، جای خودش را بدانیم. چون الان بحثش مطرح است، و اتفاقاً یکی از ضرورت‌های طرح بحث تربیت حماسی، این است که الان به فرموده‌ی آقا مهندسی فرهنگی کشور دارد طراحی می‌شود و بعد نقشه‌ی فرهنگی کشور. پس نیاز هست که ما این مدل را ارائه کنیم و در اختیار قرار دهیم؛ به عنوان یکی از مأموریت‌ها و رسالت‌هایمان.

در تربیت‌های کنونی، ارزش هست، اما انگیزه در آن خیلی کم است. ما باید آمیخته‌ای از ارزش‌ها و انگیزش‌ها را با محتوای غنی دینی در نظر بگیریم و با وقت‌گذاری، و فعالیت‌های بسیار زیاد، با دیدن افق‌های به اصلاح بسیار دورتر و نیز با ارائه‌ی راهکارهای بسیار زیبا که متناسب با روحیه‌ی نسل کنونی باشد، الگوی خوبی ارائه دهیم. دقت می‌فرمایید که خود تعبیرهای آقا هم تعبیرهایی است که ما را به طرف تربیت حماسی می‌برد؛ تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی. وقتی آقا می‌فرمایند شیخون، نشان از این است که این هجوم خیلی

سریع، بی سر و صدا است. تغییرات فرهنگی خیلی سریع است. اکنون ما در مقابل این چگونه باید بایستیم؟ با چه داشته‌ای؟ با چه محتوایی؟ با چه الگو و مدلی؟ این بسیار خوب است. به این اضافه کنیم که ما در فضای علمی کشورمان هم کلمه‌هایی داریم که آقا به کار برده‌اند؛ مانند جنبش و نهضت نرم‌افزاری ببینید در این واژه‌ها، هم ارزش و هم انگیزش هست. در جلد اول کتاب تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری (صفحه ۱۲۹)، که انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی وزارت آموزش و پرورش آن را چاپ کرده، آقا تعبیر شکل جهادی داشتن تعلیم و تربیت را دارند، که در حقیقت همان بحث تربیت حماسی است. پس در بحث مهندسی فرهنگی که دارد مطرح و کار می‌شود، مسأله‌ی ضرورت طرح تربیت حماسی با اشاره به کلید واژه‌هایی که از آقا گفتم، اهمیت خودش را دو چندان نشان می‌دهد.

• محتوای حماسه

نکته‌ی دیگر آنکه حماسه در نگاه ما به مثابه‌ی محتوا است، نه مثابه‌ی فرم و قالب؛ اگرچه ما در بعضی از مواقع حماسه‌ی فرمی را هم باید مدنظر قرار دهیم و از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مثبت آن استفاده کنیم. اما فرم حماسه اصالت ندارد و برای ما آنچه که اصل است، محتوای آن است. اگر این نگاه را داشته باشیم، دارای بار ارزشی مثبتی می‌شود که حماسه را برای آن پیش زمینه‌های ذهنی و محدودیت‌های زمانی که گفتم، مساوی با قتال نمی‌داند، بلکه واژه را می‌کند واژه‌ی جهاد. واژه‌های جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی و جهاد علمی، این‌ها نوعی نگاه مثبت است.

در آیه‌ی قرآن داریم: «و جاهدهم به جهاداً کبیراً». آیت‌الله جوادی می‌فرمایند: جهاد اکبر و جهاد کبیر و جهاد اصغر. می‌گویند جهاد اصغر که جهاد قتال و جهاد اکبر که مبارزه با نفس است، اما جهاد کبیر همین جهاد فرهنگی است. با این حساب؛ چه در مقام مبنا، چه در مقام غایت، چه در مقام اصول و چه در روش‌ها، ما باید سعی کنیم که بار ارزشی مثبت کلمه‌ی حماسی را به عنوان محتوا و نه فقط قالب، اگرچه قالب هم مدنظر هست، مطرح می‌کنیم. اگر این نگاه را داشته باشیم، ما می‌توانیم این الگو و مدل را به عنوان یک الگوی جهانی مطرح کنیم، چون تاریخ تمدن و فرهنگ و ادب جهان، پر از این حرف‌هاست.

• ریشه‌دار بودن تربیت حماسی

حرف آخر این که، تربیت حماسی شاید در مقام نظر و تعریف، امری جدید و نو باشد، اما حقیقت آن است که در مقام عمل و مصداق، امری ریشه‌دار است؛ خصوصاً در تاریخ دینی و فرهنگی تشیع با همه‌ی مختصاتش؛ از مؤثرترین عامل تربیتی تشیع در قرون متوالی یعنی عاشورا، تا تأکید بر الگوی علوی و فاطمی، تا انقلاب مهدوی؛ از عرفان آمیخته به حماسه و نیاش‌های شورانگیز، تا سرمایه‌های ماندگار ملی نظیر شاهنامه فردوسی و تجربه‌ی ارزشمند معاصر در سایه‌ی فقه حماسی، حکمت حماسی و عرفان حماسی حضرت امام (ره). تربیت حماسی این

سرمایه‌های ارزشمند را هم دارد؛ به خصوص با الگویی که امام راحل در حقیقت ارائه کردند. ما هر چه بتوانیم از این منابع استخراج کنیم بیش‌تری خواهیم داشت.

اگر کسی آیات قرآن، نهج‌البلاغه، دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، و حتی دعاهای مختلفی که در مفاتیح و کتاب‌های دیگر به اصطلاح دعوات ما هست و همین جور دعای مکارم‌الاخلاق را این‌گونه غور کند، پراز حماسه است. «خدایا! به من توفیق بده کسی که با من مخالفت کرده، با او موافقت کنم؛ کسی که غیبتم را کرده، خیرش را بخواهم؛ کسی که با من معارضه کرده، با او با حسن جزاء مقابله کنم». تعبیرها را ببینید؛ در همین فراز پنجم و ششم دعای مکارم‌الاخلاق، مقابله یک معنای پارادوکسی دارد. کسی که به من نیرنگ زده، با صلح با او رفتار کنم. خیلی جالب است.

اگر انسان با این نگاه وارد شود، من فکر می‌کنم که بتوانیم طرح نوینی را انشا... در اندازیم. مسأله‌ی تربیت حماسی خاستگاهش همین جاست؛ او جش و قوامش و شکوفایی‌اش هم باید در همین جا اتفاق بیفتد.

- کوهنوردی تفریح در عین دشواری کشیدن است یعنی هم تغذیه جسم است و هم تغذیه روح...

منابع

آثار دکتر شریعتی و آثار رهبری در تعریف بسیجی مراجعه شود. مطالب خوبی در تبیین این روحیه حماسی می‌توان یافت.